مجلهٔ حقوقی، نشریهٔ دفتر خدمات حقوقی بینالمللی جمهوری اسلامی ایران شمارهٔ بیست و نهم، پاییز ۱۳۸۲، صص ۱۴۸ ۱

روشهای حل و فصل بین المللی اختلافات در حقوق مالکیت معنوی

دكتر ضرغام غريبي

چکیده

مقاله حاضر که به بررسی نظامهای بینالمللی کیفیت حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای کنوانسیونهای متضمن حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی اختصاص دارد، شامل مقدمهای مربوط به مطالب عمومی و تبیین ماهیت اختلافات بینالمللی و سه بخش مشتمل بر بیان اجمالی پیشینهٔ تاریخی نحوهٔ پیشبینی کیفیت حل و فصل بینالمللی اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر مقررات حقوق مالکیت معنوی و مالکیت معنوی و مالکیت معنوی و روشهای حل و فصل بینالمللی اختلافات در چارچوب دو نظام مشخص یعنی استفاده از روشهای کلاسیک و روشهای خاص حل و فصل بینالمللی اختلافات اعم از روشهای کلاسیک و روشهای خاص حل و فصل بینالمللی اختلافات اعم از روشهای دیپلماتیک، رسیدگیهای قضایی و شبه قضایی و شبه قضایی در تبیین نظام حقوقی حل و فصل اختلاف در چارچوب «سازمان جهانی تجارت»، تأکید بیشتری شده است. زیرا که این

نظام مهم و برجسته با برخورداری از ساختاری منسجم و روشهای کاری کارآمد، جامعه بینالمللی را که هرگز چنین وضعی را در حوزهٔ حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای مقررات بینالمللی حقوق مالکیت معنوی تجربه نکرده بود، متحول ساخته است. البته این وضعیت بسیار خاص که امروزه نهادینه شده است، محصول ابتکار هیأتهای مذاکره کننده کشورهای توسعه یافته و در حال توسعهٔ عضو «سازمان جهانی تجارت» در طی یک دوره ده ساله در اوروگوئه میباشد که بر اساس انگیزههای سیاسی و اقتصادی مقررات بعضی از موافقت نامههای چندجانبه بینالمللی همانند «گات» را به حمایت از موضوعات مالکیتهای معنوی پیوند زده و نظام حل و فصل اختلافات مربوط به آن موافقت نامههای اقتصادی را به حمایت بینالمللی از حقوق مالکیتهای معنوی تسری دادهاند. بررسی مقررات و جمایت بینالمللی از حقوق مالکیتهای معنوی تسری دادهاند. بررسی مقررات و پروسههای آن نظام، هدف اصلی نگارنده در مقاله حاضر میباشد.

۱۱۲ * مجلة حقوقي / شمارة بيست و نهم

مقدمه

حمایت از «حقوق مالکیت معنوی» به عنوان بخش جدیدی از نهاد مالکیت و مشتمل بر «مالکیتهای صنعتی، ادبی و هنری» برای حمایت از آثار ادبی، علمی و هنری، اختراعات، علایم تجاری، نشانهای جغرافیایی و غیره در سطح بین المللی، از قرن نوزدهم به بعد و با تصویب دو کنوانسیون بین المللی مهم یعنی « کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیتهای صنعتی» در سال ۱۸۸۳ و « کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری» در سال ۱۸۸۸ نهادینه و با مرور زمان متحول شده است.

بدون تردید، تحقق اصلی ترین اهداف بنیانگذاران این کنوانسیون ها به منظور شکوفایی خلاقیتهای فردی و ارتقاء معیارهای زیستی بسر با تحولات و تغییرات تدریجی در کیفیت علوم و فنون، منوط به وجود مقرراتی جامع و اجرای تعهدات بینالمللی دول عضو به شرح مذکور و مقرر در آن پیمانهای بینالمللی ضمن توجه به اصل بنیادین «حاکمیت دولتها» می باشد. مقرراتی که از یک طرف به دلیل حمایت دولتها از افراد مخترع و آفریننده در قلمرو صلاحیتهای سرزمینی، دارای خصیصه حقوق داخلی و از طرف دیگر با توجه به تعهدات دولتها برای ایجاد معیارهای خاص حمایتی و انجام اقدامات حمایتی با ماهیت فرا سرزمینی، دارای جنبه خصیصهای منحص بفرد (Sui- generis) برخور دار ساخته است.

۱. به نظر می رسد، به جای این عبارت، استفاده از عبارت «حقوق مالکیتهای فکری» که آثار ناشی از فعالیتهای ذهنی انسان را حمایت می کند، درست تر باشد.

۲. سابقه حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی در نظامهای داخلی کشورها در قرن پانزدهم میلادی ریشه دارد و کشورهای «انگلستان» و «ونیز» اولین حمایت کنندگان از حقوق مالکیتهای معنوی بودهاند.

^{3.} Paris Convention for the Protection of Industrial Property.

^{4.} Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works.

واضح است که در این قلمرو، همیشه تفسیر قواعد و اجرای مقررات حقوق مالكيت معنوى بين المللي با ضوابط، اصول و اهداف اصلى بنیانگذاران آنها یکسان نبوده و لاجرم اجرای ناقص و یا عدم اجرای آن مقررات، موجبات اختلاف بین دارندگان حقوق مالکیت معنــوی در قلمــرو داخلی کشورها و بین دول متعاهد کنوانسیونها در عرصه جامعه بینالمللی را فراهم می کند که بدون شک، حل و فصل مطلوب آن اختلافات به منظور تضمین اعتبار پیمان بین المللی مورد نظر، مستلزم به کارگیری ترتیبات و یا وجود نظام خاص حل و فصل اختلافات مي باشد. نظام حل و فصل اختلافاتي که به دلیل برخورداری حقوق مالکیت معنوی از ماهیتی دوگانه، دارای ابعاد ملی و بین المللی بوده و به همین دلیل دول عضو کنوانسیونهای حمایت كننده از حقوق مالكیتهای معنوی با قبول اعمال چنین نظامی، عموماً متعهد می شوند که اختلافات مطرح در داخل محدوده سرزمینی خـود را با تسهیلات قضایی به منظور محاکمه و مجازات ناقضان داخلی حقوق مالکیت معنوی و «اختلافات بین المللی» را که در رابطه با تفسیر و یا اجرای حقوق مالکیت معنوی بوجود می آیند و حل و فصل آنها با توجه به ماهیت حقوقی آنها در صلاحیت مراجع قضایی بین المللی از جمله «دیـوان بین المللی داد گستری» می باشد، ^۵ به روشهای سیاسی، شبه قضایی و یا قضایی حل و فصل نمایند. هر چند از عبارت «اختلاف بین المللی» در اسناد حقوقی حمایت از حقوق مالکیت معنوی، هیچ تعریف خاصی بـ عمـل نیامـده و تشخیص این امر به حقوق بینالملل عرفی وانهاده شده است. اگرچـه در حقوق بين الملل هم «اختلاف بين المللي» تعريف نشده و استناد حقوقدانان بين المللي در تعيين ابعاد حقوقي «اختلاف بين المللي» تنها به تعبير «ديوان

۵. حل و فصل این گونه اختلافات با رجوع به قواعد پذیرفته شده حقوق بین الملل میسر است و از این رو اختلافات حقوقی غالباً به داوری و یا داد گستری بین المللی ارجاع می گردند: ممتاز، دکتر جمشید، سلسله درسهای دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران، نیمسال تحصیلی ۱۳۶۶- ۱۳۶۵، ص ۹۲.

۱۱۴ * مجلة حقوقي / شمارة بيست و نهم

دایمی دادگستری بین المللی» در رأی قضیه «ماوروماتیس» مربوط به سال ۱۹۲۴ و ماده ۳۶ اساسنامهٔ دیوان بین المللی دادگستری مبتنی است که مقرر میدارد:

«کلیه اختلافات مربوط به تفسیر یک معاهده، هر مسأله که موضوع حقوق بین الملل باشد، حقیقت هر امر که در صورت ثبوت نقض یک تعهد بین المللی محسوب شود و نوع و میزان غرامتی که برای نقض تعهد بین المللی پرداخت می شود، جزو اختلافات حقوقی محسوب می شوند».

یعنی در این موارد هم، تنها معیارهای تشخیص ماهیت یک اختلاف بین المللی که عموماً از اوصاف حقوقی و سیاسی برخوردار می باشد و تعیین آنها برای احراز صلاحیت مرجع بین المللی رسیدگی کننده لازم است، مورد تبیین قرار گرفته اند. $^{\vee}$ هرچند کلیه اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای مقررات مربوط به حمایت از حقوق مالکیت معنوی به شرح کنوانسیون های بین المللی متضمن آن حقوق، ذاتاً از ماهیت کاملاً «حقوقی» $^{\wedge}$ برخوردار بوده و رسیدگی به آنها هم با وجود سایر شرایط، ذاتاً در صلاحیت مراجع قضایی بین المللی مذکور در آن اسناد حقوقی بین المللی می باشد.

در این مقاله فقط به بررسی نظام حقوقی بین المللی حل و فیصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات مربوط به حمایت از حقوق

^{2.} برای مطالعه این رأی رک.

Mavrommatis Concessions Case, Encyclopedia of Public International Law, North Holland, Publishing Company, Vol. 2, 1981, p. 182.

۷. وقتی اختلافی بین دو دولت ایجاد می شود اگر ادعای آنها مبتنی بر قواعد حقوقی باشد جنب حقوقی دارد و اگر دعاوی طرفین و یا لااقل یکی از آنها منطبق بر موازین حقوقی و قواعد بین المللی نباشد، جزء اختلافات سیاسی است. صفدری، دکتر محمد، حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲، جلد سه م، ص ۲۰۹۰.

۸. البته تصریح به حقوقی بودن اختلاف، بیشتر برای متمایز کردن آن از اختلافات سیاسی است که حل و فصل آنها در چارچوب رسیدگی های قضایی و قواعد حقوقی صورت نمی گیرد.

مالکیت معنوی در سه قسمت تحت عناوین ذیل اکتفا شده است: «تاریخچهٔ حل و فصل اختلافات ناشی از حقوق مالکیت معنوی»، «کنوانسیونهای بینالمللی حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی» و «روشهای حل و فصل بینالمللی اختلافات حقوق مالکیت معنوی».

١- تاريخچهٔ حل و فصل اختلافات ناشي از حقوق مالكيت معنوى

از مطالعه در رابطه با تاریخ تحول نظام مالکیتهای معنوی، این گونه برمی آید که پیشبینی کیفیت حل و فصل اختلاف در زمینه اجرای حقوق مالکیت معنوی در ابعاد بین المللی، از دو سند معتبر یعنی «کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیتهای صنعتی» و «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری» و نسخههای بازنگری شدهٔ آنها در زمینه نحوه حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات این دو کنوانسیون شروع شده است که در آنها مقرر شده تا اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر مقررات آن کنوانسیونها از طریق مذاکره و در صورت شکست و قبول صلاحیت دیوان بین المللی داد گستری، از طریق آن دیوان حل و فصل گردد.

همچنین مطالعات مزبور، حکایت از آن دارند که علاوه بر معاهدات دو جانبهٔ متضمن حمایت از حقوق مالکیت معنوی که حل و فصل بین المللی اختلافات را با ارجاع اختلاف به «داوری» پیش بینی نموده اند؛ بعضی از پیمانهای منطقه ای و معاهدات بین المللی بویژه با ماهیت اقتصادی همانند «پیمان عمومی تعرفه و تجارت سال ۱۹۴۷» و «موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت سال ۱۹۹۴» و وجود دارند که با داشتن مقرراتی جامع و قابل

۹. World Trade Organization به «سازمان تجارت جهانی» هم ترجمه شده است ولی به نظر مسیرسد عبارت «سازمان جهانی تجارت» دقیق تر باشد، زیرا وصف جهانی متعلق به سازمان است نه تجارت.

۱۱۶ ❖ مجلة حقوقي / شمارة بيست و نهم

اعمال بین حدود ۱۵۰ کشور دنیا در زمینه حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات حقوق مالکیت معنوی، «نظام حقوقی مـشترکی»۱۰ را در این قلمرو بنیاد نهادهاند که امروزه به دلیل تأثیرشان بر قواعد حـل و فصل اختلافات و تسهیل تجارت بین المللی از اهمیت بسیاری برخوردارند و بررسی و ارزیابی نسبی آن نظام حقوقی، موضوع اصلی این مقاله است.

٢- كنو انسيو نهاى بين المللي متضمن حمايت از حقوق مالكيتهاى معنوى

به طور کلی، کنوانسیونهای بین المللی که به نحوی در رابطه با حل و فصل اختلافات مربوط به تفسير و اجراي مقررات حقوق مالكيتهاي معنوی و مکانیزمهای حل و فصل اختلافات مقرراتی را تدوین نمودهاند، به قرار ذیل میباشند:

۱ ـ ۲ ـ معاهدات بين المللي دو جانبه و منطقهاي متضمن حمايت از حقوق مالكيتهاى معنوى

امروزه اكثر دول عضو جامعه بين المللي، معاهدات دو جانبه و چنــد جانبه منطقهای را منعقد کردهاند و در آنها دول متعاهد علاوه بر تصریح به حمایت از موضوعات اصلی و اعطای یارهای از امتیازات مرتبط با حقوق مالکیتهای معنوی از قبیل اختراعات، دانش فنی و غیره، به نحوه حل و فصل اختلافات احتمالي ناشي از اجراي آن حقوق هم اشاره نمودهانــد. مــثلاً در موافقتنامههای بینالمللی اقتصادی و بازرگانی که امروزه انعقاد آنها بین دولتها بویژه در زمینه سرمایه گذاری های خارجی متعارف شده است؛ طرفهای متعاهد در احصاء عناوین سرمایه، علاوه بر این که به موضوعات

^{• 1.} كليه اعضاء سازمان مكلف هستند اين نظام را رعايت و اعمال نمايند و طبـق مقــررات مــذكور در موافقتنامههای منضم به آن، اعمال هیچگونه رزروی هم از طرف دولتها در مورد این نظامات امکان ندارد.

حقوق مالکیت معنوی ازجمله حق اختراع، طرحهای صنعتی، علایم و اسامی تجاری، دانش فنی و غیره به عنوان سرمایه تصریح می نمایند، در بخش خاصی از آن کنوانسیونها هم به کیفیت حل و فیصل اختلافیات ناشی از اجرا و تفسیر از طریق «مذاکره» به طور دوستانه و در صورت عدم توافیق از طریق ارجاع اختلاف به هیأت «داوری» اشاره می نمایند" و یا همچنین در معاهدات و کنوانسیونهای منطقهای که بنا به ملاحظاتی خیاص اعیم از اقلیمی، ژئوپولیتیکی و یا غیره بین بعضی از دولتها منعقد می گردد، دول عضو ضمن تصریح به حمایت از پارهای از حقوق مالکیتهای معنوی، در رابطه با حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرا هم مقرراتی را تدوین و برقرار می نمایند. مثلاً موافقتنامه NAFTA آکه بین دول امریکا، کانیادا و مکزیک منعقد شده است در بخش 20B در رابطه بیا حیل و فیصل اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی مقرراتی را تدوین نموده است" اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی مقرراتی را تدوین نموده است" که اعضای دیگر پیمان را اجرا نکنند به دیوان داد گستری اروپایی مراجعه که اعضای دیگر پیمان را اجرا نکنند به دیوان داد گستری اروپایی مراجعه کنند.

۱۱۸ 💸 مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

^{11.} دولت جمهوری اسلامی ایران با تصویب هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۶/۱۱ تحت شماره ا۱۳۹۲/۳ تحت شماره ۱۳۹۲/ت ۱۹۲۶ در اجرای ماده(۲) آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقهای بینالمللی در زمینه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری، متن نمونه موافقتنامه ای را مورد استفاده قرار می دهد که در ماده ۱ آن به کیفیت حل و ماده ۱ آن به کیفیت حل و فصل اختلاف بین طرفهای متعاهد تصریح شده است.

^{17.} North American Free Trade Agreement.

^{17.} برای مطالعه بیشتر، رک.

Hastings P. & Janofsky, "North American Free Trade Agreement – Summary and Analysis", at 100 et seq. (New York, 1992/1993).

۲ ـ ۲ ـ کنوانسیونهای بینالمللی حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی

بیش از یک قرن است که جامعه بین المللی شاهد انعقاد موافقتنامهها و کنوانسیونهای بین المللی به معنی اخص در حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی و معنوی است که به منظور حمایت از حقوق دارندگان مالکیتهای معنوی و تسهیل اجرای مقررات آنها در ابعاد بین المللی تدوین و لازم الاجرا شده و در آنها در زمینه کیفیت حل و فصل اختلافات بین المللی ناشی از تفسیر و اجرا، ترتیبات و مکانیزمهایی مورد تذکر قرار گرفتهاند. ۱۵ مشلاً ماده ۲۸ کنوانسیون پاریس، ماده ۳۳ کنوانسیون برن، ماده ۱۵ کنوانسیون جهانی حق مؤلف، ۱۵ ماده ۴۰ کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان، تولید کنندگان صفحات صوتی و سازمان های پخش کننده ۱۶ و ماده ۹۹ معاهده همکاری اختراعات به طور خاص، امر رسیدگی به اختلافات را به دیوان بین المللی داد گستری ارجاع داده اند.

۳-۲_ موافقتنامه های بین المللی « اقتصادی» متضمن حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی

علاوه بر معاهدات دو جانبه، کنوانسیونهای منطقهای و کنوانسیونهای حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی، مدتها است که جامعه بینالمللی ناظر انعقاد موافقتنامههای بینالمللی «اقتصادی» است که در آنها

۱۴. همهٔ اسناد در زمینه حقوق مالکیت معنوی درخصوص ابزارهای مقرر برای حل و فصل اختلاف، بـه دیوان بینالمللی دادگستری (ICJ) ارجاع دادهاند که البته با توجه بـه ابعـاد سیاســی و امکــان رزروهــای مختلف، حتی یک مورد رسیدگی به اختلاف هم به آن دیوان واگذار نگردیده است:

Dromer Sigrid, Dispute Settlement and New Developments Within the Framework of TRIPs - An Interim Review, IIC, Vol. 31, No. 1, 2000, p. 4.

^{15.} Universal Copyright Convention (UCC).

^{16.} International Convention for the Protection of Performers, Producers of Phonograms and Broadcasting Organizations (The Rome Convention).

^{17.} Patent Cooperation Treaty (PTC).

به دلیل ارتباط خاص موضوع موافقتنامه ها با مالکیت های معنوی و لزوماً کیفیت حل و فصل اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر حقوق مربوط به آنها، مقررات و ترتیبات خاصی پیش بینی شده اند. مثلاً «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» مشهور به «موافقتنامه گات ۱۹۴۷» در طبی مواد ۲۲ و ۲۳ به انضمام تفاهم نامه حل اختلاف سال ۱۹۷۹ و یا «موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت» سال ۱۹۹۴ به انضمام مقررات «تفاهم نامه راجع به قواعد و رویه های حاکم بر حل اختلافات» از طریق ارجاع مذکور در ماده ۶۴ «موافقتنامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی» از طریق ارجاع و کاملی را در زمینه نظام حل و فصل اختلافات بین المللی مقررات جامع و کاملی را در زمینه نظام حل و فصل اختلافات بین المللی

البته برخلاف آنچه اشاره شد، در قلمرو حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی، بعضی از کنوانسیونها و معاهدات بینالمللی حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی هم وجود دارند که در آنها برای حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات آنها، ترتیباتی وجود ندارد. مثلاً «موافقتنامه علایم تجاری مادرید»، " «اتحادیه حمایت از گونههای جدید گیاهی» " و «موافقتنامه مربوط به طرحهای صنعتی لاهه» " و بعضی از کنوانسیونها و معاهدات تحت مدیریت «سازمان جهانی مالکیت معنوی» " از قبیل «پیمان اجراکنندگان و صفحات صوتی ۱۹۹۶» " «پیمان

١٢٠ ❖ مجلة حقوقي / شمارة بيست و نهم

^{18.} Dispute Settlement Understanding (DSU).

^{19.} Agreement on Trade- Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs).

^{20.} Madrid Trademark Agreement.

^{21.} Union for the Protection of New Varieties of Plants (UPOV).

^{22.} Hague Agreement on Industrial Designs.

^{23.} World Intellectual Property Organization (WIPO).

^{24.} WIPO Performances and Phonograms Treaty (WPPT).

کپی رایت ۱۹۹۶»^{۲۵} و غیره جزو کنوانسیونهایی هستند که متون حقوقی آنها در مورد کیفیت حل و فصل اختلافات، فاقد ترتیبات خاصی می باشند.^{۲۶}

٣ ـ روشهای حل و فصل بین المللی اختلافات حقوق مالکیت معنوی

آنچه در کل از توجه به اسناد حقوقی بینالمللی مورد اشاره در مانحن فیه جلب توجه می کند، این است که به نظر میرسد در حوزه حقوق بینالملل، اختلافات بینالمللی ناشی از تفسیر و اجرای مقررات مربوط به حقوق مالکیت معنوی، با دو روش مشخص یعنی «۱ حل و فصل بینالمللی اختلافات با روشهای کلاسیک حقوق بینالملل عمومی و ۲ حل و فصل و فصل بینالمللی اختلافات با روشهای خاص» به شرح ذیل حل و فصل می گردند.

۱ ـ ۳ ـ حل و فصل بين المللى اختلافات با روشهاى كلاسيك حقوق بين الملل عمومي ۲۷

قبلاً گفتیم که در بعضی پیمانهای حمایت از مالکیتهای معنوی در رابطه با کیفیت حل و فصل اختلافات، تدابیر و مکانیزمهای خاصی پیش بینی شده است. مثلاً ماده ۲۸ «کنوانسیون پاریس برای حمایت از

^{25.} WIPO Copyright Treaty (WCT).

^{26.} Karen Lee & Silk Von Lewinski, "The Settlement of International Disputes in the Field of Intellectual Property", From GATT to TRIPs, IIC Studies, Max Planck Institute, Munich, 1996, pp. 278-328.

۲۷. در حقوق بینالملل عمومی رویههای متعدد رسیدگی بــرای حــل و فــصل، مــورد موافقــت دولتهــا قرارگرفته است که دست کم از ویژگی شبه قضایی برخوردار است. رک.

Hilf M., Settlement of Dispute in International Economic Organization: Comparative Analysis and Proposals for Strengthening the GATT Dispute Settlement Procedures, The New GATT Round of Multilateral Trade Negotiations, Klawer, 1991, p. 101.

مالکیتهای صنعتی»، ماده ۳۳ «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی، علمی و هنری»، ماده ۱۵ «کنوانسیون جهانی حق مؤلف»، ماده ۳۰ «کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان صفحات صوتی و سازمانهای پخش کننده» و ماده ۵۹ «معاهده همکاری اختراعات» به طور مشابه مقرر نمودهاند که:

«هرگاه اختلافی بین دو یا چند کشور عضو اتحادیه در مـورد اجـرا یـا کاربرد عهدنامه پیش آید که از طریق «مذاکره» قابل حل و فصل نباشد هر یک از آنها می تواننـد اخـتلاف خـود را بـه «دیـوان بـینالمللـی دادگستری» ارجاع نمایند...».

تدابیر مشابهی هم در بعضی از کنوانسیونهای منطقه ای مانند عهدنامه «بو گوتا»، معاهده «نفتا» و «پیمان اتحاد اروپا» برای رجوع اختلافات بین المللی به بعضی مراجع قضایی پذیرفته شده است و یا همین طور اکثر موافقتنامه های دو جانبهٔ حمایت از حقوق مالکیت معنوی، عموماً به استفاده از «داوری» برای حل و فصل اختلافات در اجرای مفاد معاهده تصریح کرده اند. ۲ هرچند تکلیف کیفیت حل و فصل اختلاف در رابطه با اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات حمایت از حقوق مالکیت معنوی در بعضی از پیمانهای بین المللی به صراحت روشن نیست و در این زمینه با توجه به معلوم نبودن این امر که با بروز اختلاف باید از چه روشی استفاده نمود، ابهام هست.

٨. ماده ۳۳ كنوانسيون برن براي حمايت از آثار ادبي و هنري (نسخه ١٩٧١).

۲۹. در قسمت مربوط به حل و فصل اختلاف درعهدنامههای منعقده بین دول تـصریح شـده اسـت کـه چنانچه حل اختلافات بهطور دوستانه و از طریق مذاکرهٔ سیاسی امکان پذیر نشود به داوری و یا رسـیدگی قضایی ارجاع داده خواهد شد. صفدری، دکتر محمد، پیشین، صص ۶۱۳– ۶۱۲.

۱۲۲ * مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

اگرچه می توان گفت که با توجه به قرار گرفتن کلیه اختلافات ناشی از اجرای مقررات معاهدات حمایت از حقوق مالکیت معنوی از جمله معاهدات مورد اشاره در چارچوب اختلافات حقوقی بینالمللی و نیز با توجه به تعهد دولتها به حل وفصل مسالمت آمیز اختلافات بر اساس مقررات حقوق بینالملل عرفی " طبق دستور صریح بند ۱ ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد، " لازم است تا کلیه اختلافات ناشی از اجرای مقررات کنوانسیونهایی که فاقد تصریحاتی در رابطه با تعیین روشهای حل و فصل اختلاف می باشند مطابق با مقررات و نظام حقوق بینالملل کلاسیک مشتمل بر مذاکره، تحقیق، میانجیگری، سازش، داوری " و رسیدگی قضایی حل و فصل گردند.

در نتیجه به طور خلاصه می توان گفت که حل و فصل کلیه اختلافات بین المللی ناشی از اجرای مقررات حمایت از حقوق مالکیت معنوی، اسناد حقوقی بین المللی مورد اشاره فوق به جز در موارد استثنایی، ۳۳ با «روشهای سیاسی» و «روشهای حقوقی» مذکور در آن اسناد اعم از مذاکره، داوری و یا ارجاع اختلاف به مراجع قضایی بین المللی بویژه دیوان بین المللی دادگستری که در کل با عنوان روشهای کلاسیک حقوق بین الملل عمومی

30. Lee & Lewinski, *op. cit.*, p.283.

۳۱. بند ۱ ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد مقرر میدارد: «طرفین هر اختلاف که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بینالمللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه ای یا سایر وسایل مسالمت آمیسز بنا به انتخاب خود، راه حل آن را جستجو نمایند».

۳۲. عموماً به این روشها که به طور غیرقضایی صورت می گیرند، روشهای جایگزین حل و فیصل اختلاف (Alternative Dispute Resolution = ADR) اطلاق می گردد:

Leesti Mart, WIPO/IPR/PM/THR/98/11, p. 5.

۳۳. موارد استثنایی مربوط به اختلافاتی میشوند که در چارچوب «موافقتنامه تریپس» به آنها تـصریح شده است و در آن موارد، اعضاء سازمان جهانی تجارت مکلف هستند اختلافات خـود در زمینـه حقـوق مالکیت معنوی را در چارچوب نظام خاص آن سازمان مطرح و ادامه دهند.

شناخته می شوند، صورت می گیرد که در اینجا از بیان تفصیلی آنها به دلیل طولانی شدن مبحث خودداری می گردد. ۳۴

۲ـ ۳ـ حل و فصل بين المللي اختلافات به روشهاي خاص ۳۵

صرفنظر از روشهای مـذ کور در گفتار پیـشین در رابطـه بـا نظام کلاسیک حـل و فـصل بـینالمللـی اختلافات کـه بـین دول عـضو آن کنوانسیونها و در چارچوب مورد قبـول آنهـا کـاربرد دارنـد، ۳۰ موضـوع کیفیت حل و فصل بینالمللی اختلافات ناشی از تفسیر و اجـرای مقـررات کیفیت از حقوق مالکیت معنوی، با توجه به وضـعیتی کـه در پایـان دور مذاکرات اوروگوئه در دههٔ ۱۹۹۰ پدید آمد و دولتهای عمدتاً متعاهد گـات ماداکرات اوروگوئه در دههٔ ۱۹۹۰ پدید آمد و دولتهای عمدتاً متعاهد گـات راجع به جنبههای مرتبط با تجارت حقـوق مالکیـت معنـوی» مـشهور بـه «موافقتنامـه تریپس» و «تفاهمنامه حل و فصل اخـتلاف» را در سـال ۱۹۹۴ در مراکش دایر بر برقراری رژیم حقـوقی خـاص را تـصویب نمودنـد؛ از اهمیتی بسیار برجسته و استثنایی برخـوردار گردیـد۳۰ کـه در مقایـسه بـا

Hilf M., op. cit., p. 301.

۳۴. البته به موازات این گونه روشهای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، روش دیگری هم وجود دارد که طبق ماده ۹۴ منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت آن را در حالتی اعمال می کند که وضعیت اختلاف بینالمللی موجود برای صلح و امنیت بینالمللی خطرناک محسوب شود.

۳۵. در حقوق بینالملل عمومی روشهای متعدد رسیدگی برای حل و فصل اختلاف مورد توافـق دولتها قرارگرفته است که از خصیصه شبه قضایی برخوردار است و نظام حل و فصل اخـتلاف سـازمان جهـانی تجارت یکی از آن روشها است، اگرچه در اعمال آن روشها علیرغـم اخـتلاف در سـاختار و اهـداف، حداقل یکی از رویههای دیگر حل اختلاف وجود دارد. رک.

۷۳. متأسفانه، امروزه استفاده از روشهای کلاسیک حل و فصل اختلاف، با توجه به عدم سابقه استفاده از آن روشها تاکنون و با بوجود آمدن وضعیت بسیار خاص و استثنایی در دههٔ اخیر در عرصه بین المللی در زمینه حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی به دلیل تأسیس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۴ و التزام دولتهای عضو آن سازمان به استفاده از روشهای خاص مقرر در ضمایم موافقتنامه تأسیس آن سازمان، غیر محتمل می باشد.

۳۷. نتیجه مذاکرات، قرار دادن «موافقتنامه تریپس» تحت نظام حل و فصل اختلافات WTO بوده است:

۱۲۴ خ مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

ترتیبات حل و فـصل اختلافات مـذ کور در کنوانـسیونهای قبلی حقـوق مالکیت معنوی که تنها به یک ارجاع ۲۸ کلی مـشتمل بـر انجـام مـذاکره، داوری و یا ارجاع اختلاف به دیوان بینالمللی دادگستری اکتفا نمـودهانـد؛ امری کاملاً ابتکاری و بی نظیـر مـیباشـد. ۲۹ چـرا کـه معمـاران حقـوقی موافقتنامههای گات و تریپس، با قرار دادن اکشـر کنوانـسیونهـای اصـلی متضمن حمایت از حقوق مالکیت معنوی تحت پوشش «موافقتنامه تریپس» به شرح مقرر در مواد ۱، ۳ و ۹ آن موافقتنامه و با برقراری نظـامی خـاص برای حل و فصل اختلافات مربوط به حقوق مالکیـت معنـوی ۲۰ از طریـق ارجاع مذکور در ماده ۶۴ موافقتنامه تریپس دایر بـر قابلیـت اعمـال کلیـه مقررات «تفاهمنامه حل اختلاف» ۲۰ برای حل و فصل اختلافات ۲۰ که مقـرر میدارد:

«مواد ۲۲ و ۲۳ گات ۱۹۹۴، آن گونه که در تفاهمنامه حل اختلاف تنظیم و اعمال شده است، در مورد مشورتها و حل اختلافات ناشی از

Gervais Daniel, The TRIPs Agreement Drafting History and Analysis, Sweet and Maxwell, London, 1998, p. 247.

۲۸. همانند ماده ۲۸ کنوانسیون پاریس و ماده ۳۳ کنوانسیون برن.

۳۹. WTO برای ایفای نقش مشار کتها و آراء صادره کار آمدتر گر دید، رک.

Faryar Shirzad, The WTO Dispute Settlement System Prospects for Reform, Law and Policy International Business, Vol.31, 2000, p. 768.

• ۴. با توجه به افزایش تقاضاهای مربوط به حقوق مالکیت معنوی و اختلافات ناشمی از اجرای آنها، استفاده از مکانیزم حل و فصل اختلاف و پروسههای خاص آن از قبیل مذاکره، وساطت و مصالحه، باعث کمتر شدن هزینههای رسیدگی، سرعت عمل و تسهیل روابط فیمابین طرفها می گردد:

Leesti Mart, Dispute Settlement Including Alternative Disputes Resolution Mechanisms, WIPO Asian and Pacific Regional Seminar, Tehran, 1998.

۴1. این موافقتنامه که اختصاراً به آن «تفاهمنامه حل اختلاف» اطلاق می گردد، جزو ضمایم موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت می باشد که درخصوص اختلافات ناشی از کلیه موافقتنامه ها از جمله تریپس، اعمال می شود.

۴۲. یکی از وظایف شورای تریپس طبق ماده ۶۸ تریپس، کمک به اعـضا درمـورد حـل اخـتلاف در صورت تقاضای آنها می باشد.

موافقتنامه حاضر، جز در مواردی که در این سند به گونه دیگری مقــرر شده است، قابل اجرا خواهد بود».

رژیم حقوقی ویژهای را در این قلمرو برقرار نمودهاند ^{۱۳} تا بدان وسیله، مقررات و آیینهای دقیق مورد استفاده در هیأتهای رسیدگی کننده (Panels) و واحدهای حل و فصل اختلاف (DSB) تفاهم نامه ^{۱۵} حل اختلاف، در مورد کلیه اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای حقوق مالکیت معنوی مورد حمایت در کنوانسیونهای مهم از قبل موجود و مذکور در تریپس هم قابل اعمال گردد. ^{۱۵} مقررات حل و فصل اختلافاتی که در وضعیت حاضر به روش خاص و جدید صورت می گیرند مشتمل بر نظام دیپلماتیک، قضایی و داوری حل و فصل بینالمللی اختلافات به شرح زیر می باشند.

۱ ـ ۲ ـ ۳ ـ نظام ديپلماتيک و شبه قضايي ۲ مل و فصل بين المللي اختلافات

امر حل و فصل اختلافات در حوزه سازمان جهانی تجارت، تابع پارهای از ترتیبات، مقررات و مراحلی است که در واقع انجام آنها مستلزم توسل به یارهای از اقدامات دیبلماتیک و طی یروسههای تقریباً قضایی به

۴۳. برای مطالعه بیشتر درخصوص حل و فصل اختلافات، رک.

Michael Blakeney, "The Impact of the TRIPs Agreement in the Pacific Region", 10 E.I.P.R, 1999.

^{44.} Dispute Settlement Body (DSB).

^{45.} WTO Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Dispute.

^{47.} ماده ۲۳ تفاهمنامه راجع به قواعد و رویههای حاکم بر حل اختلافات میباشد.

۴۷. با توجه به نحوه تشکیل پانلها و اعمال رویههای خاص مذکور در تفاهمنامه و آییننامه مربـوط و مقایسه آنها با رسیدگیهای قضایی بینالمللی، بطورکلی به نظر میرسد، این نحوه رسـیدگی را مـی تـوان رسیدگی «شبه قضایی» پنداشت.

۱۲۶ خ مجلة حقوقي / شمارة بيست و نهم

شرح مذکور در «تفاهمنامه راجع به قواعد و رویههای حاکم بر حل اختلافات» که اختصاراً به آن «تفاهمنامه» اطلاق می گردد، می باشد.

ترتیبات و مقررات غیر قضایی حل و فصل اختلاف مرورد نظر در این نظام که در بـدو امـر شامـل ۱_مسـاعی جمیله (Good Offices)، ۲_ مصالحـه (Conciliation) و ۳_ میانجیگـری (Mediation) و رایزنـی (Consultation) در مرحله بعد می باشند؛ همه در واقع جزو روشهای دييلماتيك حل و فصل بين المللي اختلافات حقوق بين الملل كلاسيك هستند که تفاهم نامه در ماده ۵ خود به آنها به عنوان راههای داوطلبانه حل اختلافات بر اساس موافقت طرفهای اختلاف تـصریح نمـوده و با تعیـین مقرراتی در این زمینه به شرح مقرر در بندهای شــشگانه مــاده ۵ و تجــویز استفاده از این شیوهها در هر زمانی و در هـر مرحلـهای از رسـیدگی بـه اختلاف در چارچوب سازمان جهانی تجارت، یک نو آوری جدیدی را یدید آورده است تا طرفین اختلاف به طور اختیاری و با توافق یکدیگر از این شيوهها استفاده نمايند. البته در اين چارچوب، ممكن است امر پيشنهاد حل و فصل اختلاف از طریق مساعی جمیله، سازش یا میـانجیگری بــه منظــور کمک به اعضا، توسط مدیر کل سازمان جهانی تجارت و به اعتبار موقعیت و رسمیت مقام او به عمل آید. اگرچه متأسفانه از زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت تاکنون و علی رغم اهمیت استفاده از این روشها و مؤثر بودن آنها در حل و فصل به موقع و رضایت بخش اختلافات در چارچوب گات ۱۹۴۷ و گات ۱۹۹۴ در هیچ اختلافی به این رویهها به دلیل اختیاری بــودن

۴۸. این سه روش اگرچه در مقررات اصلی گات سابق مورد اشاره قرار نگرفته بود، لیکن در تفاهمنامه سال ۱۹۷۹ و نیز در تصمیم وزرا در سال ۱۹۸۹، به عنوان اولین راه حل اختلاف موجود به اعضای گـات ارائه و توصیه شده بود. کدخدایی، دکتر عباس، «نگرشی بر ساختار مرجع حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بینالمللی جمهوری اسلامی ایران، تهـران، شـماره ۲۱، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹.

رجوع نشده است؛ ^{۱۹} در حالی که استفاده از این روشها در حقوق بینالملل عمومی به عنوان روشهای غیر قضایی حل و فصل اختلافات، می توانند در صورت به کارگیری در چارچوب سازمان جهانی تجارت، زیرا بر اساس آنها، تصمیمات متخذه از سوی مرجع حل اختلاف نیز باشند، زیرا بر اساس آنها، هیأتهای رسیدگی کننده در چارچوب سازمان جهانی تجارت می توانند اختلافات را بررسی و در صورت قبول، آنها را اجرا نمایند ۵۰ و در واقع با توجه به اهمیت استفاده از این روشهای دیپلماتیک در حل و فصل اختلافات بینالمللی در چارچوب گات ۱۹۴۷ و در چارچوب گات ۱۹۹۲ و در تاریخ ۱۳ ژوئیه می باشد که به ناچار، مدیر کل «سازمان جهانی تجارت» در تاریخ ۱۳ ژوئیه سال ۲۰۰۱، بیانیهای ۱۵ دایر بر ترغیب اعضاء به استفاده از این روشها صادر نموده است.

«رایزنی» و یا مشورت از روشهای با اهمیت و غیر قضایی دیگر حل و فصل بین المللی اختلافات است که در چارچوب نظام سازمان جهانی تجارت به آن تصریح شده است که مقرر می دارد هرگاه حقوق کشور عضوی در چارچوب موافقتنامههای منضم به موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت، نقض گردد، باید بدواً بطور کتبی از کشور عضوی که قرار است مورد شکایت قرار گیرد، ضمن ارسال یک نسخه از تقاضا به رکن حل اختلاف، تقاضای رایزنی نماید. ۲۵ در این صورت، دولت طرف عضو سازمان جهانی تجارت، بایستی ضمن پاسخ مثبت به طرف ظرف ۱۰ روز از

۱۲۸ خ مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

۴۹. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، خبرنامه رویدادها و تحولات ســـازمان جهـــانی تجـــارت، شماره ۲۱، آذر ۱۳۸۱، صص ۳۷- ۳۶.

[•] ۵. کدخدایی، د کتر عباس، پیشین، صص ۱۵۰ – ۱۴۹.

۱۵. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، پیشین، ص ۳۶.

۵۲. ماده ۴ تفاهمنامه.

روز درخواست رایزنی در طی یکماه با حسن نیت بــا آن دولــت متقاضــی رایزنی، وارد مشاوره گردد.

این مشورت که با توافق طرف مقابل صورت می گیرد، لازم است ظرف ۶۰ روز به جز در موارد اضطراری مثل کالاهای فاسد شدنی که این مدت ۲۰ روز می باشد، ^{۵۳} انجام پذیرد، مگر این که طرفین بخواهند آن را به مدت حداکثر ۶۰ روز دیگر با توافق همدیگر تمدید نمایند.

رایزنی در نظام جدید، برخلاف نظام گات ۱۹۴۷ که مشورت کردن در آن چارچوب به اختیار طرفهای متعاهد بود، یک اقدام ضروری به حساب می آید ۵۵ بایستی علاوه بر محرمانه بودن به طور کتبی و به انضمام دلایل درخواست و مستندات مربوطه انجام پذیرد و سپس هم به اطلاع رکن حل اختلاف، شوراها و کمیتههای مربوطه برسد. ۵۶

در انجام رایزنی، چنانچه طرف مقابل ظرف ۱۰ روز مقرر، پاسخی دایر بر قبول رایزنی ارائه ندهد و یا ظرف ۳۰ روز مقرر با دولت متقاضی وارد مشورت نگردد و یا در صورت انجام مشورت در ظرف مواعد مقرر طرفین به توافق نرسند، در این حالت و در صورت عدم توافق به نحو دیگر، اختلاف مطروحه با توجه به ترتیبات مقرر در تفاهمنامه حل اختلاف و با

۵۳. بندهای ۸ و ۹ ماده ۲ تفاهمنامه.

۵۴. البته عده ای از حقوقدانان اعتقاد دارند که از مجموع تصریحات تفاهمنامه اختلاف چنین استنباط نمی شود که امر انجام مشورت یک پروسه لازم و حتمی باشد که طرف اختلاف باید قبل از تشکیل پانل های حل اختلاف آن را بدواً آغاز نماید. درحالی که عده ای دیگر آن را مرحله ای لازم و مقدمه شروع طرح قضیه در رکن حل اختلاف می دانند. به نظر می رسد این دیدگاه، با توجه به تأکید تفاهمنامه به اقدام براساس حسن نیت طرف متقاضی صحیح تر باشد.

۵۵. بندهای او ۲ ماده ۴ تفاهمنامه.

۵۶. بند ۴ ماده ۴ تفاهمنامه.

تقاضای دولت مدعی به «رکن حل اختلاف» جهت تشکیل «هیأت رسیدگی» ارجاع داده خواهد شد. ۵۷

البته موضوع قابل توجهی که در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت جلب توجه می کند و کاملاً جنبهٔ ابتکاری دارد، این است که در این نظام، در بند ۱۱ ماده ۴، ورود عضو ثالث در مرحله مشورت تجویز گردیده است تا آن عضو در صورت احساس وجود نفع خاصی در اختلاف و به شرط تقاضا ظرف ۱۰ روز از زمان گردش درخواست مشورت اصلی و قبول طرفین اصلی اختلاف، در مشورت شرکت نماید.

سؤالی که در اینجا مطرح می گردد، این است که آیا مقوله «مذاکره» که به عنوان اولین روش حل و فصل مسالمت آمیز در کنوانسیونها مورد تصریح قرار گرفته است، با مقوله «رایزنی» مذکور در این تفاهمنامه دارای یک ماهیت می باشند، یا با هم متفاو تند؟

به نظر می رسد هر دو دارای یک معنا و یک ماهیت باشند و تنها تفاوت قابل توجه، در واقع نحوه و تشریفات اجرایی آنها می باشد که در چارچوب نظام جدید، انجام و نحوه پیگیری آن از شیوه و اهمیت بسزایی برخوردار گردیده است.

۲- ۲- ۳- نظام قضایی حل و فصل اختلافات از طریق ایجاد هیأتهای رسیدگی کننده و تقاضای استیناف

همان طور که در تفاهمنامه مقرر است و به طور مختصر به آنها اشاره شد، اگر طرفین اختلاف نتوانند ظرف ۶۰ روز از طریق رایزنی در مرحله

۵۷ از سال ۱۹۹۵، تعداد درخواستهای رسمی مشورت در چارچوب تفاهمنامه حـل اخـتلاف، بـه طـور چشمگیری افزایش یافته و تا ۱۰ ژوئیه ۲۰۲ به ۲۶۱ درخواست رسیده است کـه حـاوی ۲۱۲ موضـوع متفاوت می باشد و امریکا با ۸۱ دعوا در مقام اول قرار دارد. مؤسسه مطالعات و پژوهشهـای بازرگـانی، همان، ص ۳۳.

۱۳۰ 🜣 مجلة حقوقي / شمارة بيست و نهم

اول، به راه حل رضایت بخشی برسند و یا این که طرف ادعا یعنی کشور خوانده در موعد مقرر ^{۸۵} پاسخی ندهد و یا وارد رایزنی نگردد، ^{۵۱} در این صورت کشور مدعی می تواند از رکن حل اختلاف ^{۶۰} بخواهد تا آن رکن، یک هیأت رسیدگی کننده یعنی پانل معمولاً سه نفره را که دبیرخانه از بسین لیست افراد دولتی و غیر دولتی از اتباع کشورهای غیر طرف اختلاف انتخاب می کند، ^{۶۱} برای بررسی اختلاف تشکیل دهد ^{۶۲} تا آن پانل ضمن استفاده از اختیارات خود که شامل ارزیابی موضوعی اختلاف و مشورت دایمی با طرفین اختلاف می باشد، یافتههای خود را جهت کمک به رکن حل اختلاف برای صدور توصیه نامه ارائه نماید. ^{۳۶} لازم به توضیح است که چنانچه در این مرحله، دولت عضو ثالثی دارای منافع اساسی در قضیه مطروحه باشد؛ آن دولت هم می تواند به عنوان «طرف ثالث» و طبق شرایط مذکور در ماده ۱۰ تفاهم نامه وارد دعوی گردد و پانل وضعیت او را استماع ماید. ^{۶۲}

پانل مذکور پس از تشکیل و با رعایت مقررات ماده ۱۲ تفاهمنامه، موظف است ظرف ۶ ماه که قابل تمدید به ۹ ماه می باشد، مگر در مورد

۵۸. ظرف ۱۰ روز مقرر در بند ۳ ماده ۴ تفاهمنامه.

۵۹. ظرف ۳۰ روز مقرر در بند ۳ ماده ۲ تفاهمنامه.

^{• 9.} در سازمان جهانی تجارت رکن حل اختلاف که با تقاضای دولت شاکی تشکیل می شود و مدیریت حل و فصل اختلافات از جمله صلاحیت انحصاری تشکیل پانل، تصویب گزارش پانل و رکن استیناف، نظارت بر اجرای احکام و توصیه ها و تجویز اقدامات تلافی جویانه در صورت عدم اجرای توصیه ها را به عهده می گیرد؛ در واقع عملاً همان شورای سازمان جهانی تجارت است که در این حالت تبدیل به یک رکن «شبه قضایی» می گردد و باید هیأت رسیدگی را تشکیل دهد مگر این که در شورا با «وفاق عام» تصمیم به عدم تشکیل هیأت گرفته شود که این امر هم محال به نظر می رسد. به این گونه تصمیم گیری، «کنسانسوس منفی» اطلاق می گردد که از نو آوری های بی سابقه در حوزه اتخاذ تصمیم در سازمان های بی المللی است.

١٤. ماده ٨ تفاهمنامه.

٢٠. ماده ۶ تفاهمنامه.

۶۳. ماده ۷ تفاهمنامه.

۶۴. ماده (۲) ۱۰ تفاهم نامه.

کالاهای فاسد شدنی که مدت آن ۳ ماه است، وظایف مقرر خود را تمام کرده و گزارش خود را به رکن حل اختلاف و طرفین تقدیم نماید و رکن حل اختلاف موظف است ظرف ۶۰ روز پس از توزیع گزارش، آن را تصویب نماید و یا تصمیم مبتنی بر اجماع (وفاق عام) اعضاء سازمان جهانی تجارت و یا در اثر اطلاع رسمی یکی از طرفهای اختلاف دایر بر تقاضای استیناف، تصمیمی دایر برعدم تصویب گزارش مذکور بگیرد. ۲۵ ایس پانل رسید گیهای خود را بجز در مواردی که حضور طرفین را لازم بداند، به صورت غیر علنی انجام می دهد. مباحثات پانل ها محرمانه بوده و اظهارات طرفین هم بایستی به صورت کتبی تقدیم پانل شوند.

گزارش پانلها، بدون حضور طرفین اختلاف و بر اساس اطلاعات و اظهارات دریافتی تنظیم و ارائه می گردند و در روند جدید حل و فیصل اختلاف در چارچوب نظام سازمان جهانی تجارت، گزارشهای مزبور قابلیت استیناف دارند. یعنی در نظام جدید حل و فصل اختلافات، معماران حقوقی گات، به منظور امکان بازنگری در گزارشات پانلها، یک مرحله استینافی را که از اهمیت بالایی برخوردار میباشد، از طریق مقررات ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف پیش بینی و به عنوان مکانیزمی اطمینان بخش در اختیار طرف ناراضی قرار دادهاند تا در چارچوب و محدوده موضوعات حقوقی مذکور در گزارش پانل و تفسیرهای به عمل آمده توسط آن پانل، حقوقی مذکور در گزارش پانل و تفسیرهای به عمل آمده توسط آن پانل، نظر یانل اقدام نماید. گور نازل اقدام نماید.

رکن استیناف که از ۷ نفر متخصص در امور حقوق، تجارت بینالملل و موافقتنامههای متضمن موضوعات مورد اختلاف به منظور

^{22.} ماده ۱۶ تفاهمنامه.

^{22.} ماده (۱۳)۱۷ تفاهم نامه.

١٣٢ ♦ مجلة حقوقي / شمارة بيست و نهم

بررسی شکلی گزارش پانل ها و نه رسیدگی ماهوی به آنها تشکیل می گردد؛ موظف است تا ظرف ۶۰ روز که قابل تمدید به ۹۰ روز می باشد، رسیدگی را تکمیل و گزارش را ارائه نماید. این گزارش که توسط رکن حل حل اختلاف تصویب می شود، بایستی بدون شرط توسط طرفین پذیرفته شود، مگر این که ظرف ۳۰ روز پس از توزیع آن بین اعضاء٬٬٬ رکن حل اختلاف، آن گزارش را با وفاق عام نپذیرد.٬٬ درخصوص اجرای این گونه می گردند؛ طراحان حقوقی نظام حل و فصل اختلافات، به شرح مذکور در می گردند؛ طراحان حقوقی نظام حل و فصل اختلافات، به شرح مذکور در استیناف پذیرفته می شود؛ در این صورت کشور خوانده، ۳۰ روز مهلت استیناف پذیرفته می شود؛ در این صورت کشور خوانده، ۳۰ روز مهلت حل اختلاف به آن رکن اعلام نماید و الا در صورت تعذر در اجرای سریع حل اختلاف به آن رکن اعلام نماید و الا در صورت تعذر در اجرای سریع توصیهنامه و عدم توافق طرفین دایر بر تعیین موعدی مقرر برای اجرا یا تعیین آن توسط داوری، رکن حل اختلاف زمان اجرای متعارفی را تعیین خواهد نمود.

ولی چنانچه کشور مربوطه، توصیه و یا دستورات رکن حل اختلاف را در زمان تعیین شده اجرا ننماید؛ در این صورت، آن دولت بایستی با کشور مدعی نسبت به جبران خسارات به عنوان اقدامات موقتی ^{۶۹} تا زمان اجرای دستورات رکن حل اختلاف توسط آن کشور طبق توافق وارد مذاکره گردد و اگر طرفین ظرف ۲۰ روز پس از انقضای مهلت معقول اعطایی نسبت به تعیین سطح جبران خسارات با هم کنار نیایند؛ در ایس

٧٧. ماده ۱۴ تفاهمنامه.

۶۸. تشریفات انتخاب، دورههای خدمت و نحوه رسیدگی به شرحی است که در ماده ۱۷ تبیین گردیــده است.

^{92.} ماده (۱)۲۲ تفاهمنامه.

صورت کشور مدعی ممکن است از رکن حل اختلاف که بایستی ظرف ۳۰ روز تصمیم بگیرد، بخواهد که آن کشور را در تعلیق امتیازات و سایر تعهدات تحت موافقت نامههای تحت یوشش نسبت به خوانده مجاز نماید.

اما این که کدامیک از امتیازات باید معلق گردند؟ این امر بر اصول و رویههای مذکور در ماده ۲۲ تفاهمنامه مبتنی است که به موجب آنها ۲۰ در بدو امر تعلیق امتیازات و تعهدات بایستی مربوط به بخشی باشد که رکن حل اختلاف نقض آن زمینه را احراز نموده است. ۲۱ ولی چنانچه این میان تعلیق ممکن یا مؤثر نباشد، در مرحله بعدی امر تعلیق امتیازات و تعهدات، در دیگر بخشهای «همان» موافقتنامه صورت خواهد گرفت. اما چنانچه باز هم این تعلیق عملی و مؤثر نباشد؛ در این صورت تعلیق امتیازات و تعهدات و تعهدات ممکن است، در بخشهای «سایر موافقتنامهها» اعمال گردند. ۲۲

در چنین وضعی چنانچه دولت خوانده به میران و سطح تعلیقات پیشنهادی معترض باشد، در این صورت قضیه با توجه به مقررات مذکور در بند ۶ ماده ۲۲ تفاهم نامه به داوری مذکور در آن ماده ارجاع خواهد شد و طرفین بایستی از نظر داوری که طی ۶۰ روز از تاریخ انقضای مهلت متعارف اعطایی به خوانده صادر خواهد شد، متابعت نمایند.

البته بایستی توجه نمود که امر ارجاع به داوری در این حالت که در واقع یک داوری اجباری است و انجام آن بدین روش در حقوق بینالملل عمومی دارای سابقه نمی باشد، با ارجاع اختلاف به داوری به معنای متعارف آن که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، متفاوت می باشد.

۰۷. ماده (۳)۲۲ تفاهمنامه.

٧١. ماده (الف)(٣)٢٢ تفاهمنامه.

۷۲. ماده (ب)(۳)۲۲ تفاهمنامه.

٧٧. ماده (ج)(٣)٢٢ تفاهمنامه.

۷۴. ماده (۶)۲۲ تفاهمنامه.

۱۳۴ خه مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

4 بین المللی سریع 4 به منظور حل و فصل اختلافات بین المللی المللی

با توجه به این که در جهان معاصر یکی از طرق مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات توسل طرفهای اختلاف به مکانیزم داوری است که مورد اشاره قرار گرفت، که فلذا معماران حقوقی تریپس هم ضمن توجه به این مکانیزم مؤثر، آن را به عنوان یک وسیله جایگزین برای حل و فصل اختلافات پذیرفته، و آن را در مورد اختلافات ناشی از اجرای حقوق مالکیت معنوی در چارچوب تریپس قابل دسترسی و اعمال ساخته اند. ماده که تفاهم نامه حل اختلاف مقرر می دارد:

«۱- داوری سریع در چارچوب سازمان جهانی تجارت، وسیلهٔ دیگری برای حل اختلاف است که می تواند حل برخی اختلاف ات مربوط به موضوعاتی را که هر دو طرف به روشنی معین کردهاند، تسهیل نماید. ۲۰ به غیر از مواردی که در این تفاهم نامه به ترتیب دیگری مقرر شده است، توسل به داوری منوط به توافق متقابل طرفها و همچنین در مورد رویههایی که باید رعایت گردند، می باشد. این توافق به داوری در مهلت مناسب قبل از شروع عملی کار، به اطلاع همه اعضا خواهد رسید. ۲۳ اعضاء دیگر فقط در صورت موافقت طرفهای داوری توافق می توانند طرف رسیدگی در داوری قرار بگیرند و طرفهای داوری توافق خواهند نمود که از رأی داوری تبعیت نمایند. آراء داوری به رکن حل و فصل اختلاف و به شورا یا کمیته موضوع توافقنامه اطلاع داده خواهد شد و در آنجا هر عضوی می تواند هر نظری را در ارتباط با آن رأی شد و در آنجا هر عضوی می تواند هر نظری را در ارتباط با آن رأی

75. Expeditious Arbitration.

۷۶. اصولاً در نظام بین المللی حل و فصل اختلافات، استفاده از امر داوری بـا توجـه بـه اهمیـت اصـل حاکمیت دولتها از اهمیت درجه اولی برخوردار است.

77. Lee & Lewinski, op. cit., p. 303.

۷۸. ماده (۱)۲۵ تفاهمنامه.

٧٩. ماده (٢)٢٥ تفاهمنامه.

مطرح کند. ^{۸۰} ۴ـ مواد ۲۱ و ^{۱۱۲۸} با تغییرات لازم، ناظر بر آرای داوری خواهند بود». ^{۸۲}

البته در این قلمرو، موارد ارجاع اختلاف به داوری، نه تنها محدود و محصور به ماده ۲۵ تفاهمنامه به شرح فوق نمیباشد، بلکه در دیگر موارد اختلاف هم از جمله «موقعی که رسید قضایی ۸۳ منجر به وضعیت تعلیق امتیازات و تعهدات گردیده باشد و موضوع اختلاف مربوط به تعیین زمان مناسب اجرا ۸۴ باشد بنا به تجویز بند ج ماده (۳) ۲۱ تفاهمنامه و یا موقعی که امر تعیین میزان منافع از میان رفته و یا لطمه دیده مطرح باشد بنا به تجویز بند ج ماده (۱) ۲۶ تفاهمنامه» مشرح باشد بنا به تجویز بند ج ماده (۱) ۲۶ تفاهمنامه» مشود گی به موضوعات اختلاف مذکور به داوری ارجاع داده می شود 2 و ارجاع این گونه اختلافات به داوری، در واقع امری جدا از نظام داوری به معنای اخص است. زیرا این داوری بیشتر جنبه «داوری اجباری» را متضمن می باشد تا داوری مبتنی بر رضایت طرفین اختلاف که در حالت اخیر نقش تعیین کننده ای ندارند.

٠٨. ماده (٣)٢٥ تفاهمنامه.

۸۱ ماده ۲۱ و ۲۲ استنادی، مربوط به «نظارت بر اجرای توصیهها و احکام و روشهای جبــران و تعلیـــق امتیازات» میباشد.

۸۲ ماده (۴)۲۵ تفاهمنامه.

۸۳. همانطوری که در بررسی بعدی خواهیم دید، در مواردی که در نحوه اجــرا و زمــان توصــیهنامــه و دستورات، اختلاف بروز می کند، امر تعیین «فرصت معقول» طبق شرایط مذکور در ماده (۳) ۲۱ تفاهمنامه به داوری ارجاع می گردد.

۸۴. ماده (ج)(۳)(۲۱ تفاهمنامه.

٨٥. ماده (ج)(١)٢۶ تفاهمنامه.

۸۶. برای مطالعه بیشتر درخصوص داوری در حوزه WTO، رک.

Petersmann Ernest, "Strengthening the GATT Dispute Settlement System, On the Use of Arbitration in GATT", 1988.

۱۳۶ ❖ مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

۳- ۳- استثنائات مربوط به اعمال نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت

اگرچه در نظام جدید حمایت از حقوق مالکیت معنوی با توجه به گسترهٔ عام و وسیع موافقتنامه تریپس و عضویت اکشر کشورهای عضو جامعه بین المللی دیگر تردیدی بر عمومیت حکومت رژیم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت بر اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای حقوق مالکیتهای معنوی وجود ندارد، ولی با این وجود و علاوه بر خروج اختلافات مذکور در کنوانسیونهای متضمن حمایت از حقوق مالکیت معنوی در بین غیراعضاء متعاهد آن کنوانسیونها که فعلاً عضو سازمان جهانی تجارت نمی باشند و قهراً هم باید اختلافات ناشی از اجرای آن کنوانسیونها مطابق ترتیبات مذکور در آن کنوانسیونها و خارج از سیستم حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت حل و فصل گردند؛ معماران حقوقی گات/تریپس، در اثر فشارها و اعتراضات نمایندگان کشورهای در حال توسعه مذاکره کننده در دور اورو گوئه، مواردی به شرح ذیل را نیز از پوشش و شمول نظام جدید حل و فصل اختلاف در چارچوب سازمان جهانی تجارت، خارج نمودهاند.

۱_ ۳_ ۳_ اختلافات مربوط به گات ۱۹۴۷

همان طور که قبلاً هم اشاره شد، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت امشهور به «گات ۱۹۴۷»، علاوه بر داشتن تصریحاتی در خصوص حمایت از پارهای از حقوق مالکیت معنوی از طریق جلوگیری از علایم تقلبی تجاری کالا و سرقت ادبی، مقرراتی را هم در خصوص کیفیت حل و فصل اختلاف بین دول طرف متعاهد آن موافقتنامه دارد که علی رغم اجرای موقت موافقتنامه در یک برههٔ زمانی طولانی بین سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۹۵،

آن مقررات به عنوان روشهای خاص حل و فصل اختلافات و خارج از روشهای کلاسیک حقوق بین الملل، در مورد اختلافات بین المللی اقتصادی مورد استفاده قرار می گرفته اند و اکنون معماران حقوقی گات هم با توجه به آن مقررات و بنا به اقتضائاتی، امر رسیدگی به آن گونه اختلافات را به موجب بند ۱۱ ماده ۳ تفاهم نامه حل اختلاف که مقرر می دارد:

«... این تفاهم نامه فقط در مورد تقاضاهای جدید مشورت طبق مقررات مشورت در موافقتنامههای تحت پوشش که در تاریخ لازمالاجرا شدن موافقتنامه سازمان جهانی تجارت یا پس از این تاریخ به عمل آمده باشند، قابل اعمال خواهد بود. در مورد اختلافاتی که برای آنها درخواست مشورت بر اساس گات ۱۹۴۷ یا طبق یک موافقتنامه دیگر منعقده پیش ازموافقتنامههای تحت پوشش، قبل از تاریخ لازمالاجراشدن موافقتنامه سازمان جهانی تجارت به عمل آمده باشد، قواعد و رویههای حل اختلاف مربوط که درست قبل از تاریخ لازمالاجرا شدن موافقتنامه سازمان جهانی تجارت مجری هستند، همچنان قابل اعمال خواهند بود».

از قلمرو نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت خارج نمودهاند. یعنی اختلافاتی که شامل کلیه اختلافات مربوط به گات ۱۹۴۷ بوده و قبل از لازم الاجرا شدن موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت در اول ژانویه مطرح بوده و یا مطرح شوند، از قلمرو نظام جدید حل اختلاف خرارج شده و به شیوههای جاری در پرتو نظام گات ۱۹۴۷ دایر بر صدور اطلاعیه $^{\text{NA}}$ و مشورت در مرحله اول و در صورت عدم توفیق، درخواست مساعی جمیله از طرفهای متعاهد گات در مرحله دوم و در صورت عدم توفیق از این طریق هم ارجاع مسأله به طرفهای متعاهد جهت ملاحظه در مرحله سوم این طریق هم ارجاع مسأله به طرفهای متعاهد جهت ملاحظه در مرحله سوم

87. Notification.

۱۳۸ * مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

و در نهایت هم تشکیل یک هیأت حل اختلاف گات با تقاضای طرف تقاضاکننده براساس مقررات مواد ۲۲ و ۲۳ گات ۱۹۴۷ و مقررات تفاهم نامه ۱۹۲۹ و اصلاحات بعدی آن موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، ^{۸۸} مورد رسیدگی قرار می گیرند ^{۹۱} و در صورت صدور گزارش یا توصیه نامه کتبی از طرف پانل بر اساس یافته ها، آن توصیه نامه به شورای گات که رسماً قدرت پذیرش گزارش و اعطای قدرت الزام آور به آن را دارد، تسلیم می گردد.

۲_ ۳_ ۳_ اختلافات بین المللی ناشی از اجرای مقررات حقوق مالکیت معنوی بین غیر اعضاء سازمان جهانی تجارت

مسلماً، على رغم اين كه كشورهاى صنعتى با اعمال سياستهايى خاص و تدوين سند نهايى متضمن موافقتنامه تأسيس سازمان جهانى تجارت توانستهاند كنوانسيونهاى عمده و اصلى متضمن حمايت از حقوق مالكيت معنوى را تحت پوشش موافقتنامه تريپس قرار داده و با اعمال تدابيرى خاص قريب به اتفاق كشورهاى عضو جامعه بينالمللى را بنا به ضرورتهايى عضو سازمان تجارت بنمايند تا اختلافات بينالمللى آنها از جمله كليه اختلافات ناشى از اجراى اكثر مقررات كنوانسيونهاى متضمن حمايت از حقوق مالكيت معنوى تحت سيستم سازمان جهانى تجارت قرار

۸۸. برای مطالعه این تفاهمنامه که سه بار در سالهای ۱۹۸۲، ۱۹۸۴ و ۱۹۸۹ تکمیل شده و در واقع نظام حل و فصل اختلافات گات ۱۹۲۷ را تشکیل میدهد، رک.

Petersmann Ernest, "The Dispute Settlement System of WTO and the Evolution of GATT Dispute Settlement Since 1978", Common Market Law Review, 1994, Vol. 13, No. 6.

۸۹. تفاهمنامه حل اختلاف ۱۹۷۹ که حاصل مذاکرات دور توکیو برای بهبود نظام حل و فصل اختلاف گات ۱۹۴۷ می باشد، در جریان مذاکرات دور اوروگوئه تکمیل و در نهایت شکل متکامل تفاهمنامه حاضر در سیستم WTO را پیدا کرده است.

^{90.} Collier J. and Lowe V., The Settlement of Disputes in International Law, Oxford University Press, 1999, pp. 96-104.

گیرند؛ هنوز هم دولتهایی هستند که با وجود عضویت در کنوانسیونهایی از قبیل «کنوانسیون پاریس برای حمایت ازمالکیتهای صنعتی» و «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری»، به عضویت سازمان جهانی تجارت در نیامدهاند.

لذا پرواضح است که در چنین مواردی، حل و فصل اختلاف مطروحه به دلیل عدم عضویت ولو یکی از طرفین اختلاف عضو آن کنوانسیونها در سازمان جهانی تجارت در چارچوب نظام آن سازمان، مقدور نبوده و این امر به شیوههایی صورت می گیرد که طرفین اختلاف به موجب آن اسناد، شیوههای مورد اشاره در مبحث قبلی را پذیرفتهاند. این وضعیت در واقع، یک استثناء بر صلاحیت عام و ظاهراً اجباری پانلهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در مورد اختلافات مربوط به کنوانسیونها و موافقتنامههای تحت پوشش موافقتنامه تریپس به حساب

۳ ـ ۳ ـ ۳ ـ اختلافات مربوط به حقوق استيفا شده ۱۹۱

موضوع حقوق استیفاء شده که یکی از مشکل ترین مباحث دور مذاکرات موافقتنامه تریپس بوده است، ۹۲ باعث شده تا نهایتاً بین طرفهای

^{9.} برای عبارت Exhaustion ترجمه مناسبی در فارسی نداریم تا مؤید همان مفهومی باشد که عبارت حقوقی انگلیسی آن دارد. فلذا به ناچار نزدیکترین معنای آن انتخاب گردید، چرا که در واقع دارنده حقوق مالکیت معنوی با استیفای حقوق خود به هر طریق مقتضی اعم از تجویز استفاده، واردات، صادرات، نسخه برداری، اجاره و غیره، به حقوق انحصاری خود در این زمینه ها خاتمه می دهد و دایره این ترتیب می تواند بر اساس قوانین داخلی و یا موافقتنامه های بین المللی، به قلمروهای سرزمینی یا منطقه ای یا جهانی محدود گردد.

٩٢. مسأله ای که در مذاکرات دور اوروگوئه غیرقابل حل باقی ماند؛ مسأله Exhaustion بوده است، رک. Otten Adrian, Intellectual Property in Asia and the Pacific, UNDP, Quarterly Journal, No. 48, 1996, p. 24.

۱۴۰ خ مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

مذاکره کننده در دور اوروگوئه، در رابطه با حل و فصل اختلاف، از طریـق مقبولیت ماده ۶ تریپس که مقرر میدارد:

«از لحاظ حل و فصل اختلافات تحت موافقتنامه حاضر، با عنایت به مقررات مواد ۳ و ۴، هیچ چیز در این موافقتنامه برای رجوع به مسأله حقوق استیفاء شدهٔ حقوق مالکیت معنوی مورد استفاده قرار نخواهد گرفت».

مصالحهای صورت بگیرد" تا بدین وسیله با خروج این مقوله از حوزه شمول موافقتنامه تریپس، " بر اختلافات بین هیأتهای مذاکره کننده که گروهی از آنها میخواستند از طریق موافقتنامه تریپس یک اصل داخلی را وارد حوزه حقوق بین الملل بکنند " و گروه دیگر که اساساً طرح آن گونه موضوعات را در پیشگاه پانلهای حل اختلاف تریپس مقدور نمی دانستند، خاتمه داده شود. امروزه نیز عدهای، از جمله خبرگان دبیرخانه «سازمان جهانی مالکیت معنوی» عقیده دارند که این مقوله، ولو به شکل تصریح ضمنی در کنوانسیون «برن»، برمبنای قلمرو سرزمینی مورد حمایت تصریح ضمنی در کنوانسیون «برن»، برمبنای قلمرو سرزمینی مورد حمایت می باشد. " اگرچه این مقوله هنوز از ابهامات فراوانی برخوردار است و این امر باعث گردیده است تا هیأت وزیران اعضاء سازمان جهانی تجارت هم

^{93.} Gervais Daniel, op. cit., p.61.

۹۴. موضوع حمایت از حقوق استیفاء شده در اسناد بین المللی دیگر هم صراحتاً مطرح نگردیده است و فقط از بین کنوانسیونهای تحت مدیریت وایپو (WIPO)، تنها معاهده طرح مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) است که در ماده (۵)۶ مقرر نموده است، وقتی که یک طرح مدار (توپوگرافی) با رضایت دارنده حق به بازار ارائه می شود، دیگر آن حق، استیفاء شده (تمام شده) تلقی می گردد.

^{95.} A. A. Yusuf and A. Moncayo Von Hase, "Intellectual Property Protection and International Trade: Exhaustion of Rights", 1 World Competition, London, 1992, p. 127.

^{96.} Gervais Daniel, *op. cit.*, p .61.

روشهای حل و فصل ... * ۱۴۱

در اجلاس نوامبر/ دسامبر سال ۲۰۰۱ خود در «دوحه» قطر بـه آن توجـه نموده و در خاتمه با صدور اعلامیه نهایی خود مقرر نمایند که:

«اجرای مقررات تریپس در مورد Exhaustion، به عهده هر عضو گذاشته می شود تا آن عضو آزاد باشد در این مورد بدون ایراد به اصول رفتار ملی و شرط دولت کاملة الوداد، رژیم خود را برقرار سازد».

۴_۳_۳_۱ ختلافات مربوط به ورود لطمه به منافع عضو بدون نقض مقررات (Non-Violation)

موافقتنامه تریپس، با درج بند ۲ در ماده ۶۴ خود که مقرر میدارد: «شقهای ب و ج بند ۱ ماده ۲۳ گات ۱۹۹۴ به مدت ۵ سال از تاریخ لازمالاجرا شدن موافقتنامه سازمان جهانی تجارت، در مورد حل و فصل اختلافات ناشی از موافقتنامه حاضر، قابل اعمال نخواهد بود»، در واقع به یکی از مجادلات گسترده هیأتهای مذاکره کننده کشورهای در حال توسعه که شدیداً از عواقب زیان بار این مقرره نگران بودهاند، ولو بطور موقت و محدود ۵ ساله از زمان اجرای موافقتنامه که در اول ژانویه سال بار، معماران حقوقی تریپس توانستهاند در تاریخ ۵۰ ساله گات در قلمرو اجرایی شقهای ب و ج بند ۱ ماده ۲۳ گات که به مقوله «ورود لطمه به منافع عضو بدون نقض مقررات» اشتهار دارد و مقرر میدارد:

«اگر یک طرف متعاهد ملاحظه کند که بطور مستقیم یا غیر مستقیم هر منفعت متعلقه به او تحت این موافقتنامه ملغی می گردد و یا لطمه وارد می شود و یا در دستیابی به اهداف موافقتنامه مانع ایجاد می گردد به

^{97.} WT/MIN/01/DEC/2, 2001.

^{98.} Gervais Daniel, op. cit., p.249.

۱۴۲ خ مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

نحوی که آن موانع ناشی باشد از: الف قصور طرف دیگر در اجرای تعهدات خود تحت پوشش این موافقتنامه، ب به کارگیری هر نوع تدابیر توسط طرف متعاهد قطع نظر از این که آن تدابیر با مقررات این موافقتنامه تعارض داشته باشد یا نه و ج وجود هر نوع وضعیت دیگر».

تغییرات بنیادین ایجاد و با فرونشاندن نسبی اعتراضات کشورهای در حال توسعه نسبت به ماهیت بسیار غیرحقوقی و بهانه آفرین ۱۹۹ این مقرره که در لاتین به Non-Violation اشتهار دارد، مقاصد اصلی کشورهای قدرتمند مصر به ابقاء این مقرره را هم حفظ نمایند.

البته نگرانی کشورهای در حال توسعه از این مقرره کاملاً موجه می باشد زیرا از توجه به مقررات ماده ۲۳ گات، به روشنی معلوم می شود که دامنه تعرض به دیگر کشورها به استناد این ماده به صرف ادعای لطمه به منافع و آن هم بطور غیر مستقیم و یا ادعای ایجاد مانع برای تحقق اهداف موافقتنامه بر اثر هر اقدامی از طرف دولت مقابل جهت اقامه دعوی و نهایتاً هم اعمال تضییقات مذکور در تریپس از طرف کشور مدعی، امری ساده، شدنی و مشکل آفرین است ۷۰۰ و ابهامات موجود در ابعاد حقوقی

^{99.} هر نوع انحراف از استانداردهای مقرر در تریپس ممکن است به آیین حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت بر طبق تفاهمنامه حل اختلاف کشیده شود و اگر نقض تأیید گردد؛ کشور تحت تأثیر قرار گرفته می تواند اقدام جبرانی تجاری را علیه کشور نقض کننده در هر زمینه تحت پوشش سازمان جهانی تجارت، اعمال نماید. رک.

Correa M. Carlos, Reviewing the TRIPs Agreement, A Positive Agenda for Developing Countries, UNCTAD, UN, 2000, pp. 221-233.

^{• • • •} دولت امریکا کشورها را قبل از انقضاء موعد برای اصلاح قانون مالکیت معنوی شان، تحت فی شار قرار داده است؛ به طوری که در سال ۱۹۹۷ بطور یکجانبه ۲۶۰ میلیون دلار ارزش تجاری با آرژانتین را به بهانه این که حقوق مالکیت معنوی آن کشور متضمن استانداردهای بین المللی نمی باشد، لغو نمود و همین کار را در خصوص دول پاکستان، اکوادور، تایلند و اتیویی هم انجام داد. رک.

Dawkins Kristin, "Gene Wars: The Politics of Biotechnology", 1997, p. 29.

عبارتهای مذکور در ماده ۲۳ گات در رابطه با عباراتی از قبیل «لطمه»، «مانع»، «منافع»، «اهداف»، «هر نوع تدبیر»، «هر نوع وضعیت» و غیره از یک طرف و هم سطح نبودن موقعیتهای مختلف کشورهای عضو کنوانسیونهای بینالمللی در جهان امروز در امکان استفاده از این مقرره از طرف دیگر، هر ناظری را مجاب مینماید تا اعتقاد پیدا کند که این مقرره تنها برای دادن بهانه به دست دولت عضوی است^{۱۰۱} که میخواهد عقدههای مخصوصاً سیاسی خود را در موارد مقتضی اعمال نماید. چراکه دامنه اعمال این مقرره، بسیار گسترده تر از مصادیق و موارد نقض مقررات مذکور در موافقتنامه تریپس میباشد^{۱۰۱} و به همین دلیل در اینجا، این پرسش اساسی مطرح می گردد که آیا اصلاً اعمال مقرره «عدم نقض» در زمینه اجرای مقررات تریپس امری منطقی است یا نه؟

در پاسخ به این پرسش مهم، نظر غالب بر این است که چون مبنای اعمال این مقرره مربوط به امتیازات و تعهدات متقابل در زمینه تجارت کالا پایهریزی شده بود؛ پس بطور کلی اعمال این مقرره در حوزه تریپس، سنخیت ندارد، چرا که مقررات تفصیلی تریپس، خود به قدر کافی استانداردهای حمایتی کافی بدون ضرورت توسل به چنین مقررهای را متضمن می باشد "۱۰ و لزوم رعایت آن مقرره در چارچوب تریپس احساس نمی گردد. همان طوری که پروفسور جکسون هم، اظهار می دارد که اصلاً

۱۰۳. برای مطالعه بیشتر، رک.

Petersmann Ernest, op. cit., pp. 1157-1162.

۱۴۴ نهم مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

۱۰۱. دولت ونزوئلا به موجب سند WT/GC/W/282 در گات ثبت نموده است، اعـــلام کردکــه بــا فقدان سابقه مربوط به اختلافات بین الدولی Non- Violation، معلوم نیست که این امر در رابطه با حقـــوق مالکیت معنوی که ماهیتی کاملاً خصوصی دارد چگونه قابلیت اعمال دارد. رک.

Correa M. Carlos, Implementing National Public Health Policies in the Framework of WTO Agreement, Journal of World Trade, Vol. 34, No. 5, Kluwer Law International, Netherland, 2000, p. 6.

^{102.} Lee & Lewinski, op. cit., p.312.

حق شکایت مربوط به «حق نقض»، بایستی از موافقتنامههای مزبور حذف گردد. ۱۰۴

البته در قلمرو تریپس در این زمینه، هنوز هیچ گونه بازنگری خاصی صورت نگرفته است و تحقق چنین امری به فشار دولتها و عقاید علمای حقوق و تأثیرات دکترین آنها بر نمایندگان شرکت کننده در شورای تریپس بستگی دارد تا تکلیف آن در آینده روشن گردد. همانطورکه پروفسور کارلوس کورهآ (Carlos Correa) هم معتقد است که اعمال این مقرره در زمینه تشخیص مقررات داخلی حقوق مالکیت معنوی و زمینههای مختلف سیاستهای داخلی، پنجره اتهامات، مثلاً در رابطه با کنترل قیمتها و مقررات رویالتیها را باز خواهد نمود و ممکن است اعمال این شرط یک محدودهٔ خاکستری و مسائل خارج از سیاست ملی ورای حوزه حقوق مالکیت معنوی را مطرح نماید.

104. Lee & Lewinski, *op. cit.*, p. 313. **105.** Correa M. Carlos, *op. cit.*, p. 6.

نتيجه گيري

به نظر می رسد با توجه به وضعیتی که امروزه حمایت از حقوق مالکیتهای معنوی در عرصه بین المللی با تهدوین مقررات ترپیس پیدا كرده است و با توجه به روش خاصى كه اكنون در چارچوب سازمان جهانی تجارت بر کیفیت حل و فصل اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر مقررات این موافقتنامه حاکم شده است، دیگر صحبت استفاده از روشهای كلاسيك حقوق بين الملل براي حل وفصل اختلافات موضوعيت چنداني ندارد، مخصوصاً که روشهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت با توجه به قبول «صلاحیت اجباری» آن سازمان توسط دول عضو در رسیدگی به اختلافات ناشى از اجرا و تفسير كليهٔ موافقتنامه هاى منضم به موافقتنامـه آن سازمان از جمله موافقتنامه ترییس، از استحکام و نظم بیشتری در مقایسه با روشهای سابق برخوردار بوده و در نوع خود خارق العاده میباشند، چرا که با حاکمیت این نظام و با ممنوع شدن اعمال روشهای یکجانبه و نامطلوب سابق توسط یارهای از دولتهای بزرگ در چارچوب گات ۱۹۴۷ مشتمل بـر ممانعت و بلو که کردن در مقابل نهادینه شدن توسل به یارهای از روشهای حل اختلاف از قبیل «امکان انجام مذاکره، مساعی جمیله و مصالحه در هــر زمانی و در هر مرحلهای از رسیدگی به اختلاف، لـزوم تقاضـا و انجـام مشورت با طرف اختلاف قبل از تشكيل پانل حل اختلاف، تشكيل نظام پانل حل اختلاف از طریق رکن حل اختلاف، امکان استیناف خواهی از آراء پانلها، برقراری نظام با اهمیت اجماع منفی یا وفاق عام سلبی به منظور جلوگیری از دخالت تعیین کننده یک کشور در تصمیمات رکن حل اختلاف، قبول اعمال قواعد عرفي تفسير حقوق بين الملل عمومي حاكم بـر حل و فصل اختلافات، برقراری نظام زمان بندی حل و فصل اختلاف به

۱۴۶ * مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم

منظور نهایی شدن اختلاف در زمانی کمتر از دو سال، ۱۰۰ حاکمیت قانون مداری در حوزه رسیدگیهای شبه قضایی پانلها، تجویز ورود دول ثالث ذی نفع در مرحله رایزنی و رسیدگی در پانلها»، حداقل در عرصه حقوق بین الملل اقتصادی یک تحول شگرف و ابتکاری نو پدید آمده است.

اگرچه گفته می شود، علی رغم حمایت گسترده و مطمئن از حقوق مالکیت معنوی با به کار گیری روشهای نظام مند و منسجم حل اختلاف و تلقی تفاهم نامه حل و فصل اختلافات به عنوان حاصل تلاش کشورهای جهان سوم، امر الزام دول عضو سازمان جهانی تجارت به قبول صلاحیت اجباری روشهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به موجب موافقتنامه های پذیرفته شده، علاوه بر سلب اختیار دولتها از آزادی انتخاب شیوه های حل اختلاف، انتخاب روشهای حل اختلاف بر خلاف اصل ۳۳ منشور ملل متحد را که به توافق دول در انتخاب روشها تأکید دارد، به آن دولتها تحمیل می نماید.

به هرحال امروزه جامعه بین المللی معاصر، با اجرای موافقتنامههای منضم به موافقتنامه سازمان جهانی تجارت بویژه موافقتنامه تریپس و تفاهمنامه حل اختلاف، شاهد یکی از برجسته ترین نظام کار آمد حل و فصل بین المللی اختلافات در زمینه اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر حقوق مالکیت معنوی به منظور حمایت از دارندگان آن حقوق در ابعاد ملی و بین المللی

۱۰۶. یکی از عناصر اصلی تقویت این نظام، حذف طرقی است که طرف خوانده یا متضرر می توانست با توسل به آن موجبات تأخیر یا سد پروسهٔ حل اختلاف را فراهم نماید. این موضوع با پیش بینی جدول زمان بندی برای مراحل مختلف و اعمال مکانیزم تصمیم گیری با کنسانسوس توسط رکن حل اختلاف در پذیرش گزارش پانل و در موارد تعلیق امتیازات میسر شده است. رک.

Otten Adrian, "Strengthening of the Industrial Property System in View of Recent International Development, WIPO Pub, No. 435(E), 1996, p. 34.

۷۰۱. ممتاز، دکتر جمشید، «تفاهمنامه سازمان جهانی تجارت راجع به قواعد و رویههای حاکم بــر حــل اختلافات: نوآوریها و ابداعات»، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبههای حقوقی سازمان جهانی تجارت، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، ۱۳۷۶، صص ۱۲- ۱۱.

است و به نظر می رسد این نظام درصدد آن است تا با بهره گیری از ترتیبات نظام مند و دقیق در زمینه حل و فصل اختلافات در ابعادی گسترده، اهداف اصلی بنیانگذاران خود مبنی بر تسهیل تجارت آزاد و رفع موانع بسر سسر تجارت آزاد در ابعاد جهانی را به خوبی تأمین نماید.

۱۴۸ * مجلهٔ حقوقی / شمارهٔ بیست و نهم